

۱۹۸۸-۱۹۹۱

زاده خرم

درود فراوان بر تو. بر توان و آفرینش دانا باشی. همانطور که همیشه بودی.

نامهٔ بی‌بابت رسید. خوشحالم که به کلیات این کتاب سرو سامانی داده‌ای.

بزرگ تائب آن نباش. چون عنوانش می‌گوید که چاپ کتاب واقعاً کند، خودی

آن را حرف چینی خواهد کرد. من فکر می‌کنم که اگر کلیات در یک جلد

در آید بهتر است. قبلاً هم برایت نوشته بودم که بهترین راه اینست

که نامه مناسبی برای آن پیدا کنی. در داخل یا در خارج. خوش‌حالم

از چاپ این کتاب بصورت دو کتاب آخر خود دار کنی. شکل و

شکل آن کتابها در خور اینها و در وقت هنر تو نبودند. البته واقفم که

همه ما از ~~تو~~ داشتن نامه مناسب محرومیم. اینها تیرا از عراق

آوارگی بی‌سایه است.

بچه‌م! همراه این نامه عشق واپسین و سخاوت « در ابراست » ما فرستیم.

سگت معنادار و بغض‌آلود در باره این کتاب به راه افتاده است.

از داشتن این کتاب در خانه. می‌دانم که عمرش بسیار بیشتر از

عمر خودم هست. این کتاب را به جابر نایقه من و روزنا صدقار ان غیر حضرتی

ما، دست روزگار و ورق خواهد زد.

نداشته بودم که چیز نفی با آنست که در اعلیٰ شرفا رسد و غریب و مرافق نبودند

و با آنها بحث داشته‌ام. حرف من چه بود؟! آیا که تا تر ناراحت بودند که

چرا خودشان زودتر با من فکر نیکوانه بودند! من یک شکر دو خداستند از هر کس

اربعیت مکتوم هستم. من مانم که دارم چکار می‌کنم. هر چند که می‌دانم هیچ کاری

فایده ندارد خط نیست.

پس نزدین قرارداد چاپ یک مجموعه از شرفا را با نامش در این اضا برده‌ام.

باید قراردادها را ببینیم و منتظر شویم که آیا اصولاً چنین کاری در ایران ممکن است

باشد. من که چشم زیاد آب نمی‌خورم.

مجموعه شرفا نام دارم از آنک اندک جان می‌برد. اگر بتوانم اشعار

تا زمانه امیر بنویسم، آن را همین‌سال منتشر خواهم کرد.

دوستی که هرگز من

۱۳۷۰ فروردین